

قطعنامه ها و قرارهای مصوب کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

قطعنامه های مصوب:

- اوضاع جهان
- کمونیستها و تحولات انقلابی در ایران
- جنبش آزادی زن، دستاوردها و چشم انداز

قرارهای مصوب:

- ضرورت به روز کردن بخش مطالبات برنامه «یک دنیای بهتر»
- لزوم تغییر موقعیت حزب
- لزوم توجه ویژه تر به فعالیت حزب در کردستان

پیام ها به کنگره ۱۱:

- پیام حزب کمونیست عراق
- پیام حزب کمونیست کارگری کردستان
- پیام ریپوار احمد به کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

اطلاعیه پایانی کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی) با شرکت اکثریت نمایندگان در روزهای اول و دوم اردیبهشت ۱۴۰۳ (۲۰ و ۲۱ آوریل ۲۰۲۳) در کشور سوئد برگزار شد.

کنگره پس از گزارش رئیس هیئت نظارت بر انتخابات، رفیق امان کفا، اعتبارنامه نمایندگان را تصویب کرد و بدنبال آئین نامه و دستور جلسه کنگره به تصویب نمایندگان کنگره رسید.

کنگره با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم و سخنرانی افتتاحیه آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب، رسماً کار خود را آغاز کرد.

دستور جلسه کنگره عبارت بود از:

- ۱- گزارش کمیته رهبری از فعالیت ها و موقعیت حزب
- ۲- قطعنامه درباره اوضاع بین المللی
- ۳- قطعنامه درباره کمونیست ها و تحولات انقلابی در ایران
- ۴- قطعنامه درباره جنبش آزادی زن، دستاوردها و چشم انداز
- ۳- بررسی قرارهای رسیده به کنگره

پس از سخنرانی افتتاحیه دبیر کمیته مرکزی، پیام حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان به کنگره ارائه شد. سپس پیام هایی که از قبل به کنگره رسیده بود، از جمله پیام جمع البرز، پیام جمعی از کادرهای حزب در کردستان، پیام جمع آبان، پیام رفیقی از مراکز صنعتی، در فواصل اجلاس قرائت شد.

گزارش کمیته رهبری از کارکرد عمومی و موقعیت حزب توسط رفیق خالد حاج محمدی ارائه شد. گزارش کمیته ها و تشکیلات های مختلف حزب کتبا در اختیار نمایندگان گذاشته شده بود. ... صفحه ۲

پیام به کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)

رفقا! از اینکه مرا به کنگره خود دعوت کرده‌اید از صمیم قلب سپاسگزارم. متأسفم از اینکه امکان این را نداشتم و نتوانستم همراه شما در کنگره حضور داشته و افتخار این را داشته باشم که اگر حتی درصد کمی هم بوده باشد در موفقیت کنگره همراه و شریک تان باشم. اما هیچ شکی ندارم که پایداری، تیزبینی و عزم و اراده شما ضامن موفقیت کنگره خواهد بود.

رفقای عزیز!

هر کنگره سیاسی از اوضاع و احوالی که در آن مقطع برگزار می‌شود تاثیر می‌گیرد. مسئله اصلی تحولات کنونی در سطح جهان، مسابقه شاراتانی قطب‌های بورژوازی برای تقسیم مجدد جهان از درون توازن قوای جدید است. در این راستا جامعه بشری را به سمت باتلاق بحرانهای یکی بعد از دیگری خود کشانده‌اند، که هر روزه و هر بار از جایی سربلند می‌کند و در این میان میکوشند آخرین و ابتدایی‌ترین ارزشهای انسانی، سیاسی، اقتصادی و حتی اخلاقی را خرد و خمیر کنند. بربریت و توحش کاپیتالیسم تمام مرزها را درنوردیده است. توسل به جنگ افروزی و لشکرکشی مخصوصاً از طرف غرب به رهبری آمریکا به مدلی جا افتاده در برخورد با هر مشکل و مسئله‌ای تبدیل شده است. از دل «مدن غربی» به بهانه جنگ اوکراین، تعرض درندانه و گسترده‌ای را علیه تمامی دستاوردهای تا کنونی بشریت آزادیخواه و طبقه کارگر و جنبش سوسیالیستی و برای محدود کردن آزادی‌های فردی و مدنی شروع کرده‌اند.

در دل چنین فضایی دولت فاشیستی اسرائیل با حمایت مستقیم و همه جانبه دولت‌های غربی و خصوصاً آمریکا رسماً و آشکارا در غزه مشغول کشتار جمعی مردم فلسطین و نسل کشی است. در سطح منطقه‌ای نیز خاورمیانه یک بار دیگر به کانون بحران‌های مداوم تبدیل شده است، هر روزه و هر بار از گوشه‌های موشک و بمب را بر سر مردم می‌ریزند، روزی در غزه و روزی دیگر در عراق و سوریه و یمن و لبنان. اینها این حقیقت را به ما می‌گویند که سرمایه‌داری بدون خطر سوسیالیسم، جامعه بشریت را با آینده‌ای تاریک و ناروشن و ترسناک روبرو می‌سازد. اما در مقابل، جبهه بشریت آزادیخواه و طبقه کارگر بیکار ننشسته است. از زمانیکه دولت اسرائیل حمله ددمنشانه خود علیه مردم غزه را به راه انداخته است، ده‌ها و صدها میلیون نفر از مردم آزادیخواه جهان مداوم به خیابان‌ها آمده‌اند و نفرت و ناراضی خود را علیه این توحش و نسل کشی مردم فلسطین اعلام کرده‌اند و عملاً دولت اسرائیل و دولت‌های غربی همپیمانانش را زیر فشار گذاشته‌اند. به راستی این جنبش عظیم و انسانی در قلب دنیای تاریک و توحش کاپیتالیسم، مشعلی نویدبخش و مایه افتخار سوسیالیسم و آزادیخواهی است.

در سطح ایران نیز جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته از بحران‌های عمیق، خود را بیرون بکشد بلکه هر بار بیشتر در باتلاق بحران‌هایش فرو می‌رود. طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش همیشه در کمین‌اند تا از هر فرصتی علیه حاکمیت و برای سرنگونی این رژیم کثیف سرمایه استفاده کنند. در چنین اوضاع و احوالی و با توجه به اینکه سوسیالیسم کارگری در ایران جریان و سنتی اجتماعی قدرتمند است و اینکه حزب حکمتیست (خط رسمی)، بعنوان حزب این سنت، خط سیاسی تیز و پیشرو و واقعا متفاوت و متمایز را نمایندگی میکند، همه اینها می‌تواند سرنوشتی درخشان برای آینده ایران تضمین کند.

امیدوارم این کنگره به ملزومات تحقق این آینده بیاندیشد و توان و عزمی راسخ به کمونیسم کارگری در ایران ببخشد. همزمان امیدوارم که کنگره بر محکم‌تر کردن همسوئی و مبارزات مشترک هر سه حزب جنبش مان در عراق، ایران و کردستان تاکید کند. همسوئی و مبارزات مشترکی که در راستای آن این سه حزب در سطح منطقه همچون بلوکی کارگری و کمونیستی برجسته شوند و در سطح جهانی نیز خمیرمایه شکل گرفتن قطبی بزرگ، رادیکال و آزادیخواه در مقابل بربریت و وحشیگری سرمایه‌داری شوند.

دستان را به گرمی می‌فشارم و برایتان آرزوی کنگره‌ای موفق را دارم
ریبوار احمد / آوریل ۲۰۲۴

دبیر کمیته رهبری در گزارش به فعالیت‌های حزب در عرصه‌های مختلف به جایگاه و نقش حزب و تشکیلات‌های آن در جدال‌های مهم سیاسی در این دوره چه بر سر مسائل جهانی و منطقه‌ای و چه با جمهوری اسلامی و اپوزیسیون بورژوازی آن پرداخت.

دبیر کمیته رهبری به تحولات جهانی و منطقه‌ای، از جنگ در اوکراین تا نسل‌کشی در فلسطین در دل جدال‌ها بر سر تقسیم مجدد جهان و همچنین به تحولات دو سال اخیر در ایران بویژه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و جدال زنان و جوانان و طبقه کارگر با حاکمیت و دخالت سیاسی، نظری و پراتیکی حزب در این جدال‌ها اشاره کرد.

گزارش کمیته رهبری و مسئولین عرصه‌های اصلی و همچنین نمایندگان کنگره به مهم‌ترین چالش‌هایی که حزب و کمونیست‌ها در ایران با آن روبرو بوده‌اند، به کمبودها و کاستی‌هایی که حزب داشته است پرداختند. در این بخش همچنین به فعالیت‌های بین‌المللی حزب و به فعالیت مشترک حزب ما و دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان عراق و تاثیرات آن اشاره شد.

پس از گزارش بررسی اسناد پیشنهادی در دستور قرار گرفت و قطعنامه و قرارهای زیر به تصویب کنگره رسیدند:

قطعنامه درباره اوضاع بین‌المللی

قطعنامه درباره کمونیست‌ها و تحولات انقلابی در ایران

قطعنامه درباره جنبش آزادی زن، دستاوردها و چشم‌انداز

قرار درباره ضرورت به روز کردن بخش مطالبات برنامه «یک دنیا بهتر»

قرار درباره لزوم تغییر موقعیت حزب

قرار درباره لزوم توجه ویژه‌تر به فعالیت حزب در کردستان

کنگره با توجه به محدودیت وقت بررسی و تصمیم در مورد سایر قرارهای رسیده را به کمیته مرکزی منتخب خود گذاشت. مباحثات و مصوبات کنگره بزودی در دسترس عموم قرار خواهند گرفت.

کنگره در پایان ۲۰ نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی حزب و یک نفر را بعنوان علی‌البدل انتخاب کرد. اعضای کمیته مرکزی منتخب کنگره دهم حزب عبارتند از رفقا: آذر مدرسی، آروین مرادی، آسو سهامی، آسو فتوحی، احمد بهزاد مطلق، امان کفا، بابک امانی، پرویز وکیلی، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، سیوان رضایی، سونیا محمدی، فرید زرغام، فواد عبداللهی، کوشا بهروش، محمد راستی، محمد فتاحی، مصطفی اسدپور، مونا شاد و وریا نقشبندی. رفیق فارس محمود بعنوان عضو علی‌البدل کمیته مرکزی انتخاب شد. کنگره با بحث‌های جدی خود و با دخالت جدی نمایندگان و هم‌جهتی رفقا و پیام‌های ارسالی مختلف از ایران، پیام‌های دو حزب کمونیست کارگری عراق و کردستان، پیام رفقا ریوار احمد و فارس محمود و... پس از دو روز در فضای صمیمانه، سیاسی و پرشور بعد از اختتامیه رفیق آذر مدرسی با سرود انترناسیونال با موفقیت به کار خود خاتمه داد.

پس از کنگره، کمیته مرکزی منتخب در اولین اجلاس خود دبیر کمیته مرکزی و اعضای کمیته رهبری را انتخاب کرد. رفیق آذر مدرسی به اتفاق آراء بعنوان دبیر کمیته مرکزی و رفقا آسو فتوحی، امان کفا، ثریا شهابی، خالد حاج محمدی، فواد عبداللهی و محمد راستی به اتفاق آراء بعنوان اعضای کمیته رهبری انتخاب شدند. کمیته رهبری در اولین نشست خود رفیق خالد حاج محمدی را با اتفاق آراء به عنوان دبیر کمیته رهبری انتخاب کرد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۴ فروردین ۱۴۰۳ - ۲۳ آوریل ۲۰۲۴

اوضاع جهان

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

(خط رسمی)

اقتصادی و تعرض به دستاوردهای جنبش کارگری است. انقلابات بهار عربی، جنبش‌های اعتراضی در خاورمیانه و تحولات انقلابی در ایران، عقب‌راندن ارتجاع قومی و مذهبی در خاورمیانه و افریقا، جنبش دفاع از مردم فلسطین در سرتاسر جهان و بویژه در کشورهای غربی وجوه دیگری از این مقاومت است. مقاومتی که فرصت و امکان شکل‌گیری یک قطب رادیکال در شکل دادن به آینده بشری را برجسته‌تر از همیشه در مقابل جهانیان قرار داده است.

۴- در ابعاد سیاسی پس از سی سال تعرض راست محافظه کار در غرب و تبدیل شدن چپ و سوسیالیسم غیرکارگری به زائده و حاشیه راست سنتی و محافظه کار، امروز شاهد تغییرات مهمی در مقاومت در جوامع غربی هستیم. سربلند کردن مجدد جنبش کارگری مستقل از چپ پارلمانی و سوسیال دموکراسی، بیرون آمدن طبقه کارگر و فضای سیاسی جنبشهای اجتماعی از زیر هژمونی چپ پارلمانی و عقب‌راندن تعرض راست به دستاوردهای سیاسی-اجتماعی-اقتصادی جامعه بشری، تغییر مهمی در صف بندی‌های سیاسی در جوامع غربی است. ریختن آخرین توهومات در جوامع غربی نسبت به ساختار سیاسی و «دموکراسی پارلمانی»، مقابله با تعرض سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی احزاب و جریان‌های سنتی، شکل‌گیری جنبشهای ساختارشکنانه در غرب، روند بازگشت و خلاصی از «اسارت سیاسی-ایدئولوژیکی» را در قلب «جهان آزاد» به نمایش میگذارد.

هیچ دوره ای مانند امروز تناقض موجود میان نیازهای جامعه بشری با اقتصاد کاپیتالیستی برجسته نبوده است. هیچ زمانی مانند امروز گنبدی نظام سیاسی، نه فقط در کشورهای استبداد زده که در «جهان آزاد»، برای جامعه بشری روشن نبوده است. هیچگاه دولتها، پارلمانها و احزاب پارلمانی و نهادهای بین‌المللی چنین از مشروعیت نیفتاده بودند.

۵- امروز در صحنه جهانی دو بحران مهر خود را چه بر کشمکش ارتجاع جهانی برای تقسیم مجدد جهان و تغییر توازن قوا و چه بر فضای سیاسی و اجتماعی جهان و بر شکل دادن به یک بیداری اجتماعی - سیاسی جامعه بشری زده است. جنگ در اوکراین و نسل‌کشی در فلسطین، جهان را وارد دور دیگری از تحولات سرنوشت ساز، در صف قدرتهای جهانی و در صف بورژوازی و طبقه کارگر، در صف قدرت‌های حاکم و مردم تحت حاکمیت، کرده اند.

الف: جنگ اوکراین، اعلام ورود یکی از قطب‌های جهانی، روسیه، به مسابقه میلیتاریستی ناتو برای شرکت در «مدیریت جهان» بود. جنگی که از یکطرف صف بندی‌های سیاسی و کشمکشهای جدید را در صف بورژوازی جهانی شکل داد و از طرف دیگر بحران و معضلات اقتصادی بویژه در اروپا را تشدید کرد. سیاست دول غربی در قبال این جنگ، کمک‌های وسیع تسلیحاتی، مالی و سیاسی به اوکراین و دمیدن در آتش جنگ همراه با گسترش هزینه‌های نظامی و تسلیحاتی خود با توجیه «خطر حمله روسیه به اروپا» علاوه بر تشدید فضای جنگی، فشار اقتصادی بر طبقه کارگر و اکثریت مردم در سرتاسر جهان را به سرعت افزایش داد. جنگی که گسترش آن میتواند جامعه بشری را در معرض نابودی قرار دهد.

جنگ اوکراین در فضای سیاسی منجر به تقویت راست برتری طلب اروپایی شد. به بهانه این جنگ بورژوازی غرب تمام تلاش سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را برای احیا هژمونی از دست رفته خود و بازگشت به جهان دوقطبی و شکل دادن به بلوکی با هویت و مختصات ایدئولوژیکی و سیاسی مشترک در مقابل «دشمن مشترک» تحت عنوان «روسیه‌هراسی» کرد. تبلیغات سیاسی - ایدئولوژیکی جنگ سردی و ضد کمونیستی، تلاشی در این راستا و بخشی از دستور کار بورژوازی غرب و آمریکا برای احیا موقعیت سیاسی-ایدئولوژیکی از دست رفته خود در جهان بود. تلاشی که علیرغم خسارات عظیم، قادر نشد خلا ایدئولوژیکی موجود در صف بورژوازی جهانی به سرکردگی آمریکا، را پرکنند... ادامه در صفحه بعد

۱- طی چند دهه گذشته جهان صحنه تلاطم‌ها، بحران‌های اقتصادی و سیاسی، جنگهای ویرانگر با مخاطراتی بسیار خطرناک برای بشریت بوده است. تلاطم‌ها و بحران‌های ناشی از تغییرات در صفت‌بندی و آرایش بورژوازی جهانی که مهر خود را بر چهره سیاسی-اقتصادی و اجتماعی آینده جهان زده است.

امروز جهان در مسیر تقسیم مجدد قدرت و شکل‌گیری جهانی چند قطبی با بازیگران متعدد و بلوکهای متنوع و سیال است. بحران‌سازی‌های دائمی، جنگ‌های پی‌در پی، تروریسم دولتی و غیر دولتی، میلیتاریسم عریان و لجام گسیخته، همه و همه بخشی از مقاومت بورژوازی غرب در مقابل تغییر آرایش در صف بورژوازی جهانی است.

تغییر آرایش سیاسی-اقتصادی جهان طی سی سال گذشته، همزمان گسترده‌ترین تعرض‌ها به ارزشهای اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی و دستاوردهای بشریت در قرن بیست را در جوامع غربی به همراه داشت و همزمان حاکمیت قدرت‌های ارتجاعی مذهبی و قومی را به بخش‌های محروم جهان و بخصوص در خاورمیانه، تحمیل کرد.

۲- بن بست اقتصاد کاپیتالیستی، سلب مسئولیت کامل دولت در قبال زندگی و رفاه شهروندان، تعرض به آزادیهای فردی، به دستاوردهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و ارزشهای انسانی، سقوط استانداردهای زندگی مشخصه «جهان پیروز» است. انحطاط کامل سیاسی، ایدئولوژیکی، فرهنگی و اخلاقی بورژوازی، بن بست الگوی رشد اقتصاد کاپیتالیستی مدل «بازار آزاد» و عنان گسیختگی سودآوری سرمایه در تعرض به تمام ملزومات زندگی بشری، از معیشت میلیاردها نفر تا تخریب محیط زیست و سرباز کردن عمیق‌ترین شکاف‌های فقر و ثروت در سراسر جهان، و بالاخره شکست و بن بست «دموکراسی پارلمانی» از مشخصه‌های دیگر جهان امروز است. در اوج جهانی شدن سرمایه داری، در دل رشد سریع تکنولوژی و ثروت، ادامه حیات و بقا فیزیکی معضل صدها میلیون انسان از کشورهای جنگ زده آفریقا و آسیا تا اروپا و آمریکاست. جهانی که مشخصه اصلی آن «شکست کمونیسم» و پیروزی «دموکراسی غربی» بود، برخلاف وعده‌های بورژوازی در «جهان پیروز»، نه منشاء ثبات، آرامش، رفاه و امنیت، که منشاء بی‌ثباتی، اغتشاش، استیصال، جنگ، ویرانی، نا امنی و گسترش فقر و محرومیت و عظیم‌ترین ابعاد تخریب محیط زیست، در سرتاسر جهان است.

۳- طی یک دهه اخیر جهان صحنه جنبشهای اجتماعی بود که روند سیاسی در جوامع مختلف را شکل داد. مقاومت بشریت متمدن در مقابل تعرض بورژوازی در همه عرصه‌های زندگی، از مقابله با ریاضت اقتصادی تا ایستادن در مقابل تعرض به آزادی‌های سیاسی و فردی، از تقابل با میلیتاریسم لجام گسیخته تا مقابله با زدن رنگ قومی و مذهبی به زندگی و مبارزه آنها، مقابله با تعرض فکری، ایدئولوژیکی و فرهنگی و تحمیل عقب‌نشینی به جامعه بشری، مشخصه دیگر جهان امروز است.

مقابله طبقه کارگر و مردم محروم علیه فقر در اروپا، افریقا، آمریکا، هند، آسیا و خاورمیانه و ... گوشه‌ای از مقاومت جهانی علیه ریاضت

قطعه نامه درباره:

کمونیست‌ها و تحولات

انقلابی در ایران

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

۱- جامعه ایران شاهد وسیعترین اعتراضات توده ای، اعتصابات کارگری و تجمعات افشار مختلف مردم برای رفاه و آزادی، برای جامعه ای امن و مرفه و علیه جمهوری اسلامی بوده است. اعتراضاتی که در ادامه در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ با پرچم آزادی زن و برابری و عدالت و سرنگونی جمهوری اسلامی، حاکمیت را به لبه سرنگونی سوق داد و مهر خود را بر سیمای سیاسی و اجتماعی جامعه کوبید.

۲- علیرغم اینکه خیزش انقلابی ۱۴۰۱ قادر به تعیین تکلیف نهایی با حکومت نشد، اما توازن قوا میان طبقه کارگر، زنان و افشار محروم جامعه با جمهوری اسلامی را کاملا تغییر داد و سنگرهایی را فتح و عقب نشینی هایی را به حکومت تحمیل کرد.

سیمای کنونی جامعه ایران و رابطه طبقه کارگر و مردم آزادیخواه با جمهوری اسلامی قابل مقایسه با پیش از خیزش ۱۴۰۱ نیست. عقب راندن فضای اسلامی و قوانین مذهبی، لغو دو فاکتوی پوشش اجباری، بالا رفتن اعتبار و جایگاه زن در تاروپود جامعه، بالا رفتن وزن اجتماعی و سیاسی طبقه کارگر و امید به نقش این طبقه در تحولات آتی، تحمیل حق اعتراض و تجمع، آزادی انتقاد و بیان و... و فلج شدن نیروهای سرکوب، گوشه هایی از دستاوردهای مردم آزادیخواه در این دوره است.

خیزش توده ای ۱۴۰۱ و ادامه اعتراضات انقلابی در جامعه ایران، شکست ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مقابل مردم انقلابی را مسجل، انشقاق و تردید و ریزش درونی در صفوف جمهوری اسلامی را افزایش و مردم آزادیخواه را در موقعیت به مراتب بهتری در مقابل حاکمیت قرار داده است.

۳- تلاش همه جانبه جمهوری اسلامی برای تحمیل شکست به مردم آزادیخواه، با هدف مرعوب کردن جامعه و بهبود موقعیت حاکمیت، شکست خورده است. امروز ما با مردمی متوقع تر، حق به جانب تر، آگاه تر و متحد تر و حکومتی ضعیف تر روبرو هستیم. جدال طبقه کارگر و افشار محروم جامعه، زنان و نسل جوان در اشکال مختلف با حاکمیت برای رفاه عمومی، آزادی و عدالت اجتماعی، علیه فقر و استثمار و زن ستیزی به وسعت جامعه ادامه دارد. این جدال مستقل از فراز و نشیبهای آن سر باز ایستادن ندارد و این دو صف در مقابل هم صف آرایی کرده اند.

جدال با جمهوری اسلامی و تلاش برای سرنگونی آن به پولاریزاسیون سیاسی- طبقاتی در جامعه، در صفوف مردم و جنبشهای سیاسی و نیروها و احزاب آن، دامن زده است. در کنار تلاش جمهوری اسلامی برای بقا و توسل به همه ابزارها از سرکوب و ارباب تا عقب نشینی و پرهیز از رودروئی مستقیم با مردم، جدال اپوزیسیون راست و کمونیستها، بر سر نوع و نحوه سرنگونی، آلترناتیو آتی و برای کوبیدن مهر خود بر سیر تحولات در ایران تا اکنون ادامه دارد. سه نیروی اصلی در این جدالها و تحولات آتی، علاوه بر جمهوری اسلامی به عنوان نیروی حاکم، دو نیروی راست بورژوازی و کمونیستها در اپوزیسیون هستند. نیروهایی که کماکان امکان زدن مهر خود بر تحولات آتی و سرنوشت جامعه را دارند.

الف: جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب و عقب نشینی، اساسا در عرصه های اجتماعی و فرهنگی، از یک طرف تلاش میکند بخشی از جامعه را «خنثی و راضی» نگاه دارد و از طرف دیگر با استفاده از رقابت های جهانی، شکاف های بین المللی و منطقه ای و از جمله فاجعه نسل کشی اسرائیل در غزه، جامعه را تحت انقیاد نگاه دارد و پایه های نظام را حفظ کند. ... ادامه در صفحه بعد

قطعه نامه اوضاع جهان...

ب: کشتار مردم فلسطین، از یک سو هراس جهانیان از گسترش میلیتاریسم عربیان را بدنبال داشت و از سوی دیگر موجب به میدان آمدن میلیونها نفر در سراسر جهان علیه جنایات جنگی دولت اسرائیل و میلیتاریسم غرب شد. جنایات هیئت حاکمه اسرائیل در غزه، با حمایت کامل آمریکا، سراسر جهان را به میدانی برای پایان دادن همیشگی به حیات «امپراطوری» جنگ و میلیتاریسم تبدیل کرد. پایان دادن به مسابقه میلیتاریستی که رهبری آن در دست بورژوازی غرب است، عملا در دستور کار بشریت در سراسر جهان، و بخصوص در خود جوامع غربی، قرار گرفت.

نسل کشی در نوار غزه به شکلی یکی جنبش جهانی در دفاع از مردم فلسطین با زیر پا گذاشتن همه مرزهای جغرافیایی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی منجر شد. هیچگاه به اندازه امروز، جنبش های سیاسی - طبقاتی در سراسر جهان، چنین به هم پیوسته نبوده اند.

۶- دفاع از مردم فلسطین علیه نسل کشی دولت اسرائیل در غزه یک جنبش توده ای جهانی برای مهار کردن میلیتاریسم و ماشین کشتار با تکیه به قدرت مردمی را به میدان آورده است. امروز دفاع از مردم فلسطین به اعتراضات علیه ریاضت اقتصادی و فقر و بیکاری، علیه تعرض به آزادیهای سیاسی و اجتماعی، علیه سیاستهای میلیتاریستی، به مخالفت با دولت های خودی از خاورمیانه تا اروپا و آمریکا گره خورده است.

جنبش جهانی دفاع از مردم فلسطین آغاز بیداری مردم بویژه در غرب، آغاز فرو ریختن آخرین توهامات و اعتماد به دمکراسی غربی،

به ساختارهای سیاسی در غرب، به قدرت و مشروعیت نهادهای بین المللی و آغاز پایان دوره مسخ بشریت بویژه در «جهان آزاد» بود.

۷- جهان امروز، جهانی پولاریزه شده تر، با صف بندی های شفاف تر طبقاتی- سیاسی است که میدان وسیعی برای دخالت بشریت را چه در ابعاد جهانی و چه محلی، باز کرده است. بازکردن راه پیشروی جنبش های جهانی، منطقه ای و کشوری در مقابل نه تنها خراب شدن بار سقوط سرکردگی بورژوازی غرب به رهبری آمریکا بر جهان، بعلاوه برای پایان دادن به بن بست و شکست میلیتاریسمی که رنگ خود را به سراسر جهان زده است، کار یک قطب چپ، کمونیستی، کارگری و انترناسیونالیستی است.

هیچ دوره ای مانند امروز ورشکستگی اقتصادی- سیاسی و انحطاط ایدئولوژیک و اخلاقی بورژوازی چنین عربان نبوده است. ورشکستگی و بی اعتباری که همزمان پتانسیل عظیم کمونیسم کارگری را به نمایش میگذارد. هیچ دوره ای مانند امروز نیاز به یک کمونیسم قدرتمند و اجتماعی برجسته نبوده است. کمونیسم در دنیای واقعی بار دیگر شانسی تاریخی پیدا کرده است.

۸- طبقه کارگر و کمونیسم آن در ایران یکی از آماده ترین بخشهای این گردان جهانی در شکل دادن به یک صف انترناسیونالیستی قدرتمند علیه میلیتاریسم، جنگ، نامنمی، فقر، تخریب محیط زیست و انحطاط است. هر درجه پیشروی یک آلترناتیو کارگری در بعد سیاسی و اجتماعی، یک آلترناتیو رادیکال و آزادیخواهانه در ایران، بی شک میتواند نقش برجسته ای در باز کردن راه پیشروی طبقه کارگر و بشریت متمدن در جدال با بورژوازی جهانی ایفا کند.

آزادی زن، رفاه عمومی و اداره شورایی بود که به عنوان یک جنبش سراسری، در جدال متحدانه با دشمن در قدرت و حاکمیت، همزمان هر نوع تقسیم بندی های کاذب ملی، ناسیونالیستی و مذهبی را به حاشیه راند.

امروز طبقه کارگر و کمونیست‌ها، بیش از هر زمانی نیازمند متحد کردن سایر بخش‌های جامعه زیر پرچم رادیکال خود هستند. هر درجه پیشروی جنبش بخش‌های محروم جامعه برای معیشت و رفاه، و موفقیت های جنبش آزادی و رهایی زن، سیر پیشروی طبقه کارگر در جدال های آتی و سرنوشت ساز را تسهیل و آن را ممکن می‌کند.

۴- تحولات آتی در ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی، با پولاریزه شده فضای سیاسی و اجتماعی در جامعه و رودررویی مستقیم تر جنبش‌ها و نیروهای سیاسی و در دل رویدادها و صف بندی های جهانی، روندی پیچیده و چند وجهی خواهد داشت. آینده و سرنوشت جامعه اساسا به وزن یا قدرت هریک از سه نیروی اصلی، یکی در قدرت و دو نیرو در اپوزیسیون، در زدن مهر خود به تحولات آتی در ایران بستگی دارد. سایر نیروهای چپ و میانه یا در حاشیه قدرت حاکم یا در مدار دو نیروی اپوزیسیون و اساسا حول دو جنبش سیاسی ناسیونالیسم و کمونیسم نقش ایفا می‌کنند.

- جمهوری اسلامی قادر به پیروزی در مقابل جنبش توده ای برای خلاصی از حاکمیت فقر و استبداد و تبعیض یا مستاصل و خانه نشین کردن میلیون‌ها مردم تنگساز آزادی و برابری که قدرت خود را در خیزش‌های اخیر دیده اند، نیست.

جمهوری اسلامی قادر به دادن امتیاز اقتصادی به طبقه کارگر و مردم محروم نیست و ادامه عقب نشینی ها در عرصه اجتماعی و فرهنگی در جامعه ای که مردم از هر عقب نشینی به نفع خود و برای پیشرویهای بعدی استفاده می‌کنند، تیغ دولبه ای است که بقاء جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند. تنها شانس و امکان جمهوری اسلامی، استفاده از شکاف های منطقه ای و بین المللی برای ساکت نگاه داشتن جامعه، ایجاد شکاف در صف متحد مردم و خارج کردن آنها از صحنه و بالاخره «خریدن وقت» به امید برون رفت از بن بست است. امری که تا امروز نه تنها جنبش برای خلاصی از جمهوری اسلامی را متفرق نکرده است که عقب هم نروده است.

- اپوزیسیون بورژوازی با توجه به اول فضای سیاسی رادیکال در جامعه، وزن طبقه کارگر و گرایش سوسیالیستی آن، سمپاتی عمومی جامعه به راه حل رادیکال چه در پروسه سرنگونی و چه در آینده جامعه (اداره شورایی) بیش از هر زمانی به ایجاد شکاف در صف متحد مردم و خارج کردن آنها از صحنه سیاسی و جدال بر سر قدرت، اتکا به فضای میلیتاریستی و دخالت مستقیم ارتجاع جهانی در تحولات آتی متکی است.

تحركات این اپوزیسیون علیه چپ و میداننداری دوره ای آن، هرچند محدودیت های زیادی را به سیر پیشروی تحمیل کرد، اما چپ بودن فضای عمومی جامعه، ضدیت اپوزیسیون بورژوازی با خواسته ها و آرمانهای مردم معترض و انقلابی، را برجسته تر نشان داد. تبدیل جدال راست و چپ به جدالی سیاسی- اجتماعی در دل خیزش ۱۴۰۱ و دست رد این خیزش به سیاست‌ها، آلترناتیوها و شخصیت‌های اپوزیسیون بورژوازی، مانع جدی و اصلی قدرنگیری اپوزیسیون راست در تحولات آتی است.

- کمونیست‌ها بدلیل اول قدرت و نفوذ گرایش سوسیالیستی در طبقه کارگر و دوما سمپاتی عمومی به سیاست‌ها و آلترناتیوی که طرح کرده است، از نظر اجتماعی و جنبشی مهم‌ترین نیرو محسوب می‌شود. امروز جای پای این کمونیسم در نگاه رهبران کارگری به قدرت و وزن این طبقه چه در جامعه و چه در تحولات اجتماعی و سیاسی قابل مشاهده است. ... ادامه در صفحه بعد

قبول دو فاکتور لغو حجاب، «شل کردن» برخی قوانین مذهبی و محدودیت ها، عقب نشینی است که به امید کاهش فشار جنبش خلاصی فرهنگی و خنثی شدن بخش‌هایی از جامعه و نیروهای سیاسی که با جمهوری اسلامی صرفا مشکل فرهنگی و مذهبی دارند، صورت می‌گیرد.

از طرف دیگر دامن زدن به تبلیغات جنگی و پروپاگاند ناسیونالیستی و بلند کردن پرچم «ایرانیت» و نقش بین المللی جمهوری اسلامی تلاشی است جهت درهم شکستن مقاومت پائین در مقابل تحمیل فقر و گرانی بیشتر و در انتظار نگاه داشتن جامعه.

این شرایط از طرفی اپوزیسیون راست، از ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی تا ناسیونالیست‌های کرد و جریانات قومی، را خلع سلاح می‌کند و بخشی از پایه اجتماعی این نیروها را در جدال‌های آتی با جمهوری اسلامی خنثی خواهد کرد و از طرف دیگر ناسیونالیسم شرق زده و غیرسلطنتی در ایران را، در درون و بیرون از حاکمیت، دنباله رو خود و مدافع «محور مقاومت» می‌کند. بازنده این تلاش‌ها نیروهای مختلف ناسیونالیست در اپوزیسیون اند، اما هر درجه موفقیت جمهوری اسلامی در این تلاش به پولاریزه شدن بیشتر صف بندی های سیاسی و اعتراضی جامعه و جنبش سرنگونی منجر می‌شود.

ب: اپوزیسیون راست بورژوازی که در مقطع کوتاهی با اتکا به امکانات وسیع رسانه ای، فضای سیاسی و تبلیغی در داخل و خارج را اشباع کرده بود، به دلایل داخلی و بین المللی در زدن مهر خود بر فضای سیاسی و اعتراضی در جامعه ناتوان ماند. این اپوزیسیون از تبدیل جنبش انقلابی در ایران به دستمایه و امکانی برای دخالت دول غربی و به اهرمی برای تبدیل خود به آلترناتیو مطلوب این دولت‌ها، در این دوره شکست خورد. اپوزیسیون راست علیرغم عقیم ماندن تلاش‌هایش در زدن رنگ ملی، قومی و مذهبی به زندگی و جدال مردم برای آزادی و رفاه، در تحمیل خود بعنوان آلترناتیو مورد قبول اکثریت و بالاخره تلاش در تقلیل آزادیخواهی و برابری طلبی مردم به بازگشت به گذشته یا آزادی پوشش محلی و... هنوز یکی از نیروهای است که شانس زدن مهر خود بر تحولات آتی در ایران را دارد.

نیروهای این اپوزیسیون علیرغم اختلافات درونی خود، بعنوان یک بلوک در مقابل جنبش آزادیخواهانه مردم ایران برای رهایی و بویژه در مقابل طبقه کارگر و جدال آن علیه نظام اقتصادی-سیاسی حاکم خواهند ایستاد. از دست دادن پایه های اجتماعی این نیروها از طرفی ظرفیت و پتانسیل آنان در دست بردن به سیاست‌های مخاطره آمیز را بالاتر می‌برد و از طرف دیگر نیاز آنان به توافق با بخش‌هایی از حاکمیت را تشدید می‌کند. نقطه قدرت و یا شانس این اپوزیسیون نه پایه اجتماعی قوی و موثر که کم‌کم‌های دولتهای غربی و با اتکا به امکانات عظیم مالی و رسانه ای و جذب بخش‌هایی از حاکمیت به خود خواهد بود.

پ: طبقه کارگر و جنبش کمونیستی، علیرغم عدم موفقیت در تبدیل شدن به نیروی رهبری کننده خیزش‌های توده ای، منجمله ۱۴۰۱، اما مهر خود را به رادیکالیسم عمومی در جامعه زده است. امروز آزادی و برابری در ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از آزادی بیان و تشکل تا برابری کامل زن و مرد و رفع تبعیض از مردم بدلیل اعتقادات مذهبی و پیشینه قومی و ملی و گرایش‌های جنسی، با کمونیسم (بعنوان نماینده چپ) تداعی می‌شود.

عقب راندن تلاش بورژوازی، در حاکمیت و اپوزیسیون، برای دامن زدن به انشقاق در صفوف طبقه کارگر و مردم محروم، عقب راندن راه حل‌ها و آلترناتیوهای بورژوازی و ... بدون نفوذ وسیع چپ و بطور ویژه سوسیالیست‌ها ممکن نبود. پرچم این مقابله در خیزش ۱۴۰۱

قطعنامه درباره:

جنبش آزادی زن، دستاوردها

و چشم انداز

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

دهه اعتصابات و اعتراضات کارگری، مبارزات نسل جوان آزادیخواه، اعتراضات و خیزش های اجتماعی سالهای اخیر، سربلند کرد، جنبشی که همزمان ضدیت با مذهب و خرافات بعنوان ستون ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی و سلطه و حاکمیت مذهب بر سرنوشت انسان و بی حقوقی زن را هدف گرفته است.

ب: به حکم واقعیات ابژکتیو زیر، این جنبش چپ، رادیکال، انقلابی، ماکزیمالیست بود و هست!

بستر آماده ای که این جنبش بر آن عروج کرد، بستری که در آن پیشینه خیزش های متعدد محرومین و طبقه کارگر توازن قوا را در کل جامعه به نفع مردم تغییر داده بود!

داشتن مطالبات سراسری، پیشرو، غیرمذهبی، جهانشمول، «غیربومی»، مدرن و ماکزیمالیست در مورد حق زن، که حجاب سمبل آن بود! این ویژگی، غیر مذهبی و مطالبات جهانشمول آن، قادر شد به اتحادی انقلابی و سراسری برای حق زن، در جامعه شکل دهد! اتحادی که بعلاوه بذریعهای آن در خاورمیانه، جهان عرب، افغانستان و سراسر جهان پخش شد و خود را به جریانات سنتی مدافع حق زن در غرب که حاکمیت ایدئولوژی نژادپرستانه «نسبیت فرهنگی» را پذیرفته بودند، تحمیل کرد و جنبش زنان در جهان را در مقابل سوال های اساسی و ریشه ای در امر رهایی زنان، قرار داد. ... ادامه

خصلت رادیکال، غیر مذهبی و ماکزیمالیست این جنبش تمام تلاش های جریانات درون و بیرون حکومتی و منتقدین نیم بند تبعیض علیه زنان را خنثی کرده و همزمان با پاسخ های سراسری و اتحاد سراسری خود تلاشهای تفرقه افکنانه اپوزیسیون راست در ایجاد شکاف به بهانه تفاوت های جغرافیایی و مذهبی را خنثی و حاشیه ای کرد.

پ- خیزش انقلابی در ایران برای حق زن، عقب نشینی هایی را به جمهوری اسلامی تحمیل کرده است، که هیچ جریان بورژوازی، لیبرال، رفرمسیت، گذشته پرست و ملی و مذهبی، نه خواهان آن بود و نه توان انجام آن را با تکیه بر بیشترین منابع مالی و نظامی و لابی بین المللی داشتند. هیچیک از جریانات رفرمیست، اصلاح طلب درون حکومتی و اپوزیسیون راست عظمت طلب ایرانی و ناسیونالیست قومی، جریاناتی که از انقلاب بیش از جمهوری اسلامی و فاشیسم وحشت دارند، نه خواهان آن بودند و نه توان انجام آن را داشتند.

لغو گشت ارشاد و تحمیل حق دفاکتو برداشتن حجاب در سراسر ایران و عقب نشاندن دهها و دهها مقررات حفظ آپارتاید جنسی و تبعیض علیه زنان، سمبل شکست ایدئولوژیکی و سیاسی است که این جنبش به یکی از ارتجاعی ترین، خشن ترین و بی رحم ترین حکومت های عصر تحمیل کرده است. ... ادامه در صفحه بعد

۱- بیش از یک سال از شهریور ۱۴۰۱، میگذرد. مقطعی که در آن جدال روزانه و مقاومت چهل ساله زنان در مقابل حاکمیت اسلام و آپارتاید جنسی بر زندگی شان، به تعرض و خیزش انقلابی شیفت کرد. خیزشی انقلابی که بنام «زن، زندگی آزادی» سرعت سراسر ایران و جهان را لرزاند و جمهوری اسلامی ایران، این اولین حکومت رسماً و قانوناً متکی به آپارتاید جنسی در جهان را، به لبه پرتگاه سقوط و سرنگونی کشاند.

۲- جمهوری اسلامی ایران در مقابل این خیزش انقلابی، به سنگر دفاعی خزید و برای «بقا»، به انواع جنایات، قتل و آدم ربایی، سرکوب های ممکن دست زد، تلاشی که زیر فشار این خیزش شکست خورد و ماشین سرکوب حاکمیت را فلج کرد. این خیزش انقلابی تاریخ و فصل جدیدی از رابطه جامعه در بعد هشتماد میلیونی را، با جمهوری اسلامی گشود.

۳- جنبش های سیاسی، بورژوازی و پرولتری، راست و چپ، تقلیل گرا و ماکزیمالیست، اپوزیسیون های درون و بیرون از حاکمیت، در مورد دستاوردها و چشم انداز پیروزی این خیزش انقلابی، تبیین ها و راه کارهای مختلف دارند. از این رو ضروری است تبیین و راه کارهای یک جریان ماکزیمالیست، کمونیست، رادیکال و انقلابی، در پاسخ گویی به نیازهای پیشروی این خیزش انقلابی، به شفافیت در دسترس جامعه قرار گیرد.

۴- از این رو حزب حکمتیست (خط رسمی) بر مولفه های زیر، بعنوان دستاوردها و چشم انداز پیروزی جنبش آزادی زن در ایران، تاکید دارد.

الف: این تحول تاریخی، جنبشی در ایران برای حق زن است که ضداسلامی بودن یک رکن آن است. جنبشی که برمتن بیش از چهار

کمونیستها و تحولات انقلابی...

نفوذ و سمپاتی به سیاستهای کمونیستی در سایر بخشهای جامعه، از زنان تا فرهنگیان و بازنشستگان و...، در شعارها، مطالبات و جدال های آنها، غیر قابل انکار است.

نقطه ضعف این جنبش بیش از هر چیز به موقعیت کمونیستها و عدم آمادگی فعالین کمونیست طبقه کارگر و حزب ما، به عنوان بخش متحزب آن مربوط است. این تحولات یک بار دیگر نشان داد که انقلاب آزادیخواهانه در ایران نیاز به آمادگی کمونیستها و طبقه کارگر به عنوان رهبر تحولات جامعه دارد. آنچه امروز جمهوری اسلامی را سر پا نگهداشته است، نه قدرت حاکمیت بلکه ضعف و کمبود جنبش ما و حزب ما به عنوان کمونیستها آن است.

۵- کنگره تاکید میکند یکبار دیگر امکان و دریچه پیروزی طبقه کارگر و کمونیسم، اینبار با اتکا به نفوذ سیاسی و اجتماعی آن

در جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی دیگر، با اتکا به سمپاتی عمومی به آلتزناتیو آن در ابعاد اجتماعی باز شده است.

۶- شرط لازم عبور دادن سالم جامعه از تندبیبچههای مختلف در مسیر سرنگونی و پیروزی طبقه کارگر و آلتزناتیو کارگری، تلاش برای هژمون کردن مطالبات خود در تمام عرصه ها و جبهه های جدال جامعه با حاکمیت، و همزمان مقابله سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی کمونیستها، در راس آن حزب، با گرایشات بورژوازی و ضد کارگری، در جنبش کارگری و سایر جنبشهای اجتماعی است.

۷- کنگره بر اهمیت ایفای نقش دخالتگرانه کمونیستها و حزب حکمتیست (خط رسمی) در جدال علیه بورژوازی حاکم به عنوان پرچمدار انقلاب کارگری و بر اهمیت بکار انداختن همه توان و ظرفیتهای حزب برای دخالتگری کمونیستی خود در عرصه های اصلی مبارزه طبقاتی در جهت استراتژی سوسیالیستی خود تاکید میکند.

قرار درباره:

لزوم توجه ویژه تر به فعالیت

حزب در کردستان

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

نظر به اینکه:

۱- خیزش انقلابی ۱۴۰۱ با هدف سرنگون کردن حاکمیت جمهوری اسلامی و با ماهیتی چپ و برابری طلبانه، کردستان را به وزنه ای جدی در جدال برسر آزادی و برابری علیه جمهوری اسلامی تبدیل کرد. این خیزش همزمان زمین سیاست در کردستان را شخم زده و یکبار دیگر جنبشها و نیروهای سیاسی آنرا، از کمونیسم و تمامی جریانهای سیاسی و احزاب و جریانات ناسیونالیست با جناح راست و چپ آن، گروههای قومی و ارتجاعی و... را محک زد.

۲- کردستان جامعه ای تحزب یافته است و احزاب سیاسی بعنوان نماینده جنبشهای اجتماعی برای بسیج نیرو تحت پرچم اهداف و افق خود و برای حاکم کردن کل این اهداف و افق در سطح جامعه، تلاش میکنند.

۳- احزاب ناسیونالیست کرد با سیاست دامن زدن به عرق ملی، با درست کردن شناسنامه محلی برای اعتراضات توده ای در کردستان

قطعهنامه جنبش آزادی زن...

این دستآورد، تنها و تنها حاصل خیزشی است که در جریان است و راه پیشروی خود را باز میکند.

۵- چشم انداز پیروزی جنبش حق زن، جنبش برابری کامل زن و مرد، تنها و تنها به نقش دست اندرکاران این مبارزه، فعالین رادیکال سوسیالیست در این جنبش و به کمونیست ها بستگی دارد.

ملزومات پیشروی جنبش آزادی زن عبارت است از:

الف- کمک به پیشروی مبارزه جاری که هرروز بر سر حق زن در جامعه جاری است. اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای هرچه بیشتر به عقب راندن آن و حفظ وحدتی که برسر مطالبات ماکزیمال حق زن، بدست آمده است. مقابله با هرگونه تعرض به هر زن و دختری که در هر محل کار و زندگی و تحصیل و .. به خاطر رفتار آزادانه، مورد تعرض قرار میگیرد. حمایت از فعالین و تلاش برای آزادی گروگانهای این جنبش از زندانها و فلج کردن ماشین سرکوب و ارباب حکومت.

ب- گسترش آگاهی در مورد تمام مطالبات زنان، در جامعه، خانواده، محیط های تحصیلی و کاری و قانون کار و روابط جنسی و ...! گسترش خودآگاهی فعالین و دست اندرکاران در مورد مطالبات پیشرو و انقلابی زنان، شرط شکل دادن به یک رهبری آماده برای پیشروی های بیشتر است.

پ- مقابله با جریانات درون حکومتی، اپوزیسیون راست، جریانات فرصت طلب قومی و مذهبی در قدرت یا در اپوزیسیون، که پا به پای تبلیغات حکومت، فروکش کردن این خیزش از اوج را نشان «شکست» و «عقب نشینی» میدانند! یا به بهانه فقر افسار گسیخته و جدال جامعه بر سر معیشت یا خطر جنگ و بحران های مختلف، این جنبش را «ثانوی» و پیروزی آن را موقوف به آینده های نامعلوم میکنند.

و لباس قومی و ملی پوشاندن بر آن، ایجاد انشقاق و فاصله میان کردستان و جنبش سراسری، تلاش کردند مهر خود را بر خیزش انقلابی بزنند. این جریانات سعی کردند با تبلیغات و تحریکات ملی و عقب مانده جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه در کردستان را به زیر پرچم خود بکشانند و از محتوای رادیکال و انسانی و برابری طلبانه خالی کنند. تلاشی که به نتیجه نرسید و شکست خورد.

۴- موقعیت ویژه کردستان و تمرکز جمهوری اسلامی چه در کردستان ایران و چه در منطقه و امکانات آن برای دخالت سیاسی- نظامی در کردستان، مقابله با این تحرکات را برای حزب ضروری میکنند.

۵- نفوذ و اعتبار کمونیسم در کردستان از یک سو و خودآگاهی در صفوف طبقه کارگر و فعالین کارگری از سوی دیگر زمینه، پتانسیل و امکانی را فراهم کرده است که جنبش های پیشرو همچون جنبش دفاع از حق زن، جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی و عدالتخواهی ضمن پیوند با دیگر جنبش های سراسری پیشرو، بسیار سریع در لایه های جامعه رشد کند.

۶- موقعیت حزب حکمتیست (خط رسمی) به عنوان حزبی کمونیست، شناخته شده، رادیکال و خوشنام، این امکان را می دهد که حزب با سیاست رادیکال و ابزارهای موجود خود بسیار سریع در جامعه رشد و گسترش یابد و توان رهبری و بسیج توده ای را در دست بگیرد.

از این رو، کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)، با توجه به زمینه های آماده و پتانسیل موجود در جامعه کردستان، رهبری پس از کنگره را موظف میکند که در این راستا با تشدید تلاش خود در این عرصه هژمونی سیاسی حزب را در کردستان تامین کرده و آنرا به نقطه اتکایی برای پیروزی جنبش آزادیخواهانه مردم در ایران و قدرتگیری طبقه کارگر و در بعد سراسری بدل کند.

ت- تبلیغ و بطور دائم نشان دادن سنگرهایی که فتح شده است و دورهای سنگرهای بیشتری که بسرعت قابل فتح هستند!

ث: تحکیم و تعمیق پیوند مبارزاتی جنبش حق زن با جنبش کارگری و اعتراضات اقشار محروم جامعه علیه فقر و استثمار و آپارتاید جنسی، بعنوان دو رکن اصلی جدال برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای برابری و جامعه ای انسانی.

ج: مقابله و نقد جنبش ها و احزاب و جریانات بورژوازی که میکوشند به نام مخالفت با جمهوری اسلامی و محدود کردن حقوق زنان به حداقل ترین مطالبات فرهنگی، جنبش حق زن را در خدمت اهداف و آرمانهای ارتجاعی خود قربانی کنند. مقابله با جریاناتی که عمق توحش جنبش اسلامی علیه زنان و بی حقوقی کامل زن را دستمایه دفاع از گذشته و ارتجاع سلطنتی میکنند و یا به نام ملیتهای مختلف و سواستفاده از تبعیض های ملی و مذهبی، جنبش سراسری حق زن را شقه شقه میکنند و آنرا در خدمت جنبشهای عقب مانده، ناسیونالیستی و قومی قربانی میکنند.

چ: تلاش برای تامین رهبری جنبش آزادی زن توسط گرایش سوسیالیستی در این جنبش، تقویت موقعیت این گرایش و هدایت این جنبش در تمام اعتراضات در دفاع از مطالبات آن در همه سطوح. تلاش برای گسترش شبکه فعالین سوسیالیست و برابری طلب در جنبش حق زن.

ح: حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن تلاش برای رفع موانع فکری و سیاسی و عملی و سازمانی رهبران جنبش حق زن، به عنوان یک رکن سرنگونی جمهوری اسلامی، همه فعالین و شخصیتهای خوشنام و سوسیالیست را به پیوستن به این تلاش فرامیخواند. بی تردید تامین این مهم نه تنها سرنگونی جمهوری اسلامی را تسهیل که بعلاوه بهترین شرایط را برای انقلاب سوسیالیستی و پایان کامل بی حقوقی زن و جامعه ای برابری و آزاد تامین میکند.

قرار درباره:

با این وجود، بخش مطالبات برنامه یک دنیای بهتر، بخش حقوق و آزادی های این سند، که:

یکم: پرچم حزب در جنبش های مطالباتی کارگران و در مبارزه برای تحمیل اصلاحات به نظام موجود است،
دوم: مبنای تدوین قوانین و مقررات حکومت آتی بعنوان ابتدایی ترین حقوق مردم است،

همچون همه اسناد مشابه، نیازمند «به روز شدن» متناسب با زمان خود است.

از این رو، کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی)، رهبری پس از کنگره را موظف میکند که در این راستا، کمیونی برای بررسی مجدد این بخش از برنامه یک دنیای بهتر تشکیل دهد تا با توجه به دستاوردهای مترقی روز، پیشنهادات مشخصی را برای بررسی و تصویب به کنگره بعدی، در دستور بگذارد.

ضرورت به روز کردن بخش مطالبات برنامه «یک دنیای بهتر»

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

بیش از سی سال از تدوین برنامه «یک دنیای بهتر» میگذرد! بنیادهای برنامه «یک دنیای بهتر» نه تنها در زمان خود که هنوز پیشروترین سند برنامه ای یک حزب کمونیستی مدرن عصر ما است و سندی در ردیف مانیفست کمونیست.

قرار درباره:

بحرانی جهانی، نه منابع مالی و لابی قوی و بین المللی کمپ راست و ... می تواند توجیه کننده دلایل عدم پیروزی جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی در پس خیزش های پی در پی دیمه ۹۶ آبان ۹۸، خیزش کمونیستی طبقه کارگر ۹۷ و ۹۸ و جنبش انقلابی زن زندگی آزادی ۱۴۰۱، باشد.

شرایط نامطلوب و جنگ و بحران های جهانی و قحطی و فقر و .. برای ما همیشه و تاریحا تغییر شرایط فعالیت بوده است و نه تغییر دستور کار و یا به تاخیر انداختن فوریت هایمان و از جمله فوریت سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و پیروزی طبقه کارگر!

۷- این شرایط، خلا مهمی را بجا میگذارد و موجب هدر رفتن فرصتهای تعیین کننده ای برای جنبش کمونیستی کارگری در ایران شده است. آن خلا مهمی که مانع سرنگونی فوری جمهوری اسلامی ایران شده است، فقدان نیروی سازمان یافته سراسری و اجتماعی است که بتواند ضربه نهایی و سرنوشت ساز را به جمهوری اسلامی بزند و آلترناتیو خود را ممکن و مستقر کند. هم راست و هم چپ، فاقد این رهبری و نیروی سازمان یافته اند.

۸- در جنبش چپ، حزب حکمتیست (خط رسمی)، بدلیل مواضع سیاسی رادیکال و کمونیستی خود و اعتبار اجتماعی در میان طیفی از فعالین و دست اندرکاران مبارزات کارگری و مردمی، در میان تمام احزاب و سازمانهای چپ، بیشترین شانس را برای پرکردن این خلا دارد.

۹- از این رو، تغییر موقعیت حزب از یک سازمان معتبر به یک حزب فراگیر وسیع و اجتماعی، یک حزب سازمانده و رهبر، هم برای پیشروی حزب و هم مهمتر از همه برای دخالت فعال در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی و تحقق آلترناتیو کارگری، حیاتی است.

از این رو، کنگره یازدهم حزب حکمتیست (خط رسمی) تصویب میکند که:

رهبری منتخب کنگره برای پرکردن این خلا سیاسی و سازمانی، که پاسخ به نیازهای جامعه ایران و جنبش کمونیسم کارگری است، فوراً اقدام کند.

برای تغییر موقعیت اجتماعی، سازمانی و جنبشی حزب، نه صرفاً بعنوان یک امر حزبی بلکه بعنوان یک نیاز تاریخی، اجتماعی، برای جلوگیری از هدر رفتن فرصت های بیشتر، و برای ایفای نقشی که برای آن ساخته شده است، یعنی دخالت در رهبری سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و رهبری انقلاب کارگری، اقدامات معینی را در دستور کار بگذارد.

لزوم تغییر موقعیت حزب

مصوب کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
(خط رسمی)

نظر به اینکه:

۱- جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بیش از دو دهه است که آغاز شده است، و جامعه ایران از پس از عبور از دوحرداد و جنبش اصلاحات، بطور تسلسل وار شاهد عروج خیزش های متعدد کارگری، زنان و مردمی بوده است که هربار کلیت جمهوری اسلامی را با هدف سرنگونی در بعد سراسری مورد تعرض قرار داده است.

۲- در تمام افت و خیزهای جنبش برای سرنگونی جمهوری اسلامی دو اپوزیسیون سرنگونی طلب، دو نیروی آلترناتیو، بورژوازی و پرولتری، راست و چپ، چه در سطح جنبشی و چه در سطح سازمانی، هریک به اتکا به نیروها و حامیان جنبشی خود، دخالت فعال داشته و دارند!

۳- در هر مقطع یکی از این آلترناتیو ها، راست و چپ، در بعد اجتماعی و سراسری، عملاً به درجه ای افق سرنگونی خود را به جامعه تعمیم داده است.

۴- با این وجود هیچیک از این دو نیروی راست و چپ، قادر به سرنگونی جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن جنبش و طبقه خود و تحقق آلترناتیوهای خود نشده اند.

۵- علیرغم اینکه در طول یک دهه گذشته و پس از عروج جنبش کمونیسم کارگری در شکل خواست وسیع «اداره شورایی» و «خردجمعی» در تحرکات کارگری، پس از ریختن توهم عقب افتاده ترین بخش های جامعه نسبت به امکان «اصلاح رژیم»، پس از عروج جنبش انقلابی و رادیکال حق زن، جمهوری اسلامی هرچند زیر ضرب جنبش چپ و انقلابی در بن بست و در بحران مشروعیت قرار گرفته اما هنوز به بقاء خود ادامه میدهد.

۶- برای ما کمونیست ها، نه جنگ، نه سرکوب، نه فقر و نه اوضاع

پیام حزب کمونیست کارگری عراق به کنگره ۱۱ حزب حکمتیست (خط رسمی)

به رفیق خالد حاج محمدی، دبیر کمیته رهبری حزب حکمتیست
(خط رسمی)

برگزاری یازدهمین کنگره و پیشروی های شما را از جانب خودم
و کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق تبریک می گویم.
امیدوار بودیم که بتوانیم در این کنگره شرکت کنیم اما متأسفانه
کارهای خودمان این امکان را به ما نداد.

رفقای عزیز

در این شرایط حساس برگزاری کنگره شما و موفقیت آن، قدمی در
تحکیم سنگر کمونیسم کارگری و سنگر حکمت است.
در این مدت اخیر، ما به همراه حزب شما و حزب کمونیست
کارگری کردستان توانسته ایم با یک خط سیاسی مشخص هسته
یک بلوک کمونیستی را بسازیم. خطی با چشم انداز روشن سیاسی،
که مجزا از سایر جنبش های چپی که در مورد بسیاری مسائل
جهانی همچون جنگ در اوکراین و جنگ اسرائیل در غزه و همچنین
اعتراضات توده ای در ایران، یا به خط ضد امپریالیستی و یا به اسلام
سیاسی در غلطیده اند، بسازیم.

بر خلاف جنبش های بورژوازی که برخی از آنها امید خود را به
اصلاح طلبان درون جمهوری اسلامی و برخی به خیال ها و تصورات
و آرزوهای خود به کمپین نظامی آمریکا مانند تهاجم و اشغال
عراق، بسته بودند، تجربه اعتراضات وسیع توده های مردم در ایران
برای براندازی حکومت وحشت و ترور و اعدام و زندان، و سرکوب
زنان و طبقه کارگر، نیاز به یک حزب متفاوت، به یک حزبی که
می تواند سخنگوی راه دیگری، مستقل از سیاست های غرب و
آمریکا و افق های جریانات بورژوا و ناسیونالیست باشد، را نشان داد.
امروز، بیش از گذشته، طبقه کارگر و توده های مردمی که برای
آزادی، حرمت و زندگی در خور انسانی، نیاز به یک چشم انداز
سیاسی دارند تا آنها را از این شرایطی که امپریالیسم جهانی با
جنگ ها، بحران های اقتصادی، فقر و مریضی و فلاکت و پناهندگی
ساخته است، نجات دهد.

این نیاز دارد به چشم انداز مارکس، لنین و منصور حکمت، چشم
اندازی که آنرا از گرایشات بورژوازی اعم از راسیسم، ناسیونالیسم، و
فاشیسم، جدا و حفاظت می کند، و در عین حال، به افقی انقلابی
با آلترناتیوی روشن و امید به ممکن بودن دستیابی به دنیای بهتر
راه، مسلح می کند.

ما مطمئن هستیم که کنگره حزب شما این چشم انداز را جلوتر
می برد.

بار دیگر برایتان آرزوی موفقیت می کنیم.

سمیر عادل

از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری عراق

پیام حزب کمونیست کارگری کردستان به کنگره یازدهم حزب کمونیست کارگری حکمتیست (خط رسمی)

رفقای گرامی! ضمن گرمترین درودها

از اینکه ما را به کنگره خود دعوت کرده اید تشکر و قدردانی می کنیم
اما متأسفانه نتوانستیم که در کنار شما و در کنگره حضور داشته باشیم.

رفقا!

کنگره یازدهم حزبتان، به تمامی معنا در شرایطی خاص و در مقطعی
حساس جهان و منطقه برگزار می شود که تأثیراتش مهر خود را بر تمامی
جنبش های اجتماعی، سیاسی و طبقاتی در سطح جهان، منطقه و ایران و
مشخصاً روی حزب شما و کنگره و تمامی سیاست ها و تصمیماتی که در
دستور کار کنگره قرار می گیرند خواهد زد. شکست آمریکا در تلاش هایش
برای ایجاد جهانی تک قطبی و ظهور و استقرار عملی روسیه و چین
همچون بلوک و قطبی اقتصادی، سیاسی، نظامی و دیپلماتی و لزوم یک
سیستم نو جهان بورژوازی و آرایش مجدد جهان آن تغییرات اساسی است
که این کنگره در آن برگزار می گردد. شناخت این شرایط نو و خصوصیات
آن در رسیدن به همفکری و هم نظری در راستای مشخص کردن وظایف
انترناسیونالیستی جنبشمان، یعنی جنبش کمونیسم کارگری یکی از آن
میدان های اصلی است که در جلوی رویمان قرار گرفته است. این مهم
نیز هم از شما و کنگره تان و هم از ما می طلبد که تلاش و مبارزه ای
مشترک هر دو حزب نقشه مند و با انرژی مضاعف و گسترده تر را به
پیش ببریم.

رفقا!

قطعاً طبقه بورژوازی و حاکمیتش در ایران، با بحران عمیق سیاسی،
اقتصادی و اجتماعی روبروست و تحت تأثیر جنبش انقلابی چهار دهه
گذشته مخصوصاً جنبش و خیزش دو سال قبل قرار دارد. این شرایط توازن

قوا را به سود طبقه کارگر و توده های ستمدیده عوض کرده است و
جمهوری اسلامی تلاش می کند که خود را از زیر ضربه های جنبش رو به
جلو کارگری و توده ای بیرون بکشد و جلو روند سرنوینی خود را بگیرد.
چنین شرایطی نیز قطعاً این کنگره و جایگاه حزمان را در ایران از هر زمانی
بیشتر در موقعیت حساس تر و سرنوشت سازتری قرار داده است. مخصوصاً
که افق دار کردن جنبش انقلابی کارگران، زنان و مردم ستمدیده در ایران
و به قدرت رسیدنش هم از طریق سرنگون کردن حاکمیت سرمایه داری
ایران می گذرد. که نه فقط مردم ایران را از زیر دست جنایت های رژیم
درنده نجات خواهد داد که قلعه ارتجاع در منطقه را نیز خواهد لرزاند
و طبقه کارگر ایران و کمونیسم را به سوی پیشروی و انقلاب و تغییرات
سوسیالیستی جوامع در بعدی منطقه ای و جهانی خواهد برد. ما به این
امید به کنگره و تلاش و مبارزات شما خواهیم نگریست و با تمامی توان
کنارتان می ایستیم. در یک کلام این شرایط و روند در تغییرات اساسی
در سطح جهان و ایران مستلزم ظهور کمونیسم کارگری و حزبش در
جنبش های کارگری و جنبش های اجتماعی دیگر است. در این راستا آماده
کردن حزب برای این نبرد طبقاتی یک شرط حیاتیست.

رفقای گرامی!

تجربه مبارزه مشترک ما در این چند سال گذشته در میدان هایی همچون
تقابل با جنگ و میلیتاریسم قدرت های امپریالیستی و آن ویرانکاری،
مصیبت و انسان کشی هایی که بر جامعه بشریت تحمیل کرده اند،
همزمان مبارزه مشترک بر علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین
موضع گیری های مشترک و فعالیتیمان علیه جنگ اسرائیل در غزه نشان
داده است که هر دو حزب با مشارکت رفقایمان در حزب عراق در به
میدان آوردن یک قطب کمونیستی سازمان یافته و رادیکال و پیشرو که
بتواند به طور عملی آن نیرو و توان طبقاتی و اجتماعی برای نجات جهان
و ایجاد تغییرات ریشه ای به نفع بشریت، می تواند مثمر ثمر باشد.

بار دیگر ضمن عذرخواهی از اینکه نتوانستیم در کنگره شما حضور
داشته باشیم، اما اعلام می داریم که ما همچون حزب کمونیست کارگری
کردستان در راستای اهداف و وظایفمان در کنار شما هستیم و آرزوی
موفقیت برای کنگره تان داریم.

حزب کمونیست کارگری کردستان

۱۵ آوریل ۲۰۲۴

پخش برنامه‌های نینا از کانال یک

برنامه‌های نینا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد
از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال
یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

hekmatist.com

تماس با حزب

@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: محمد راستی

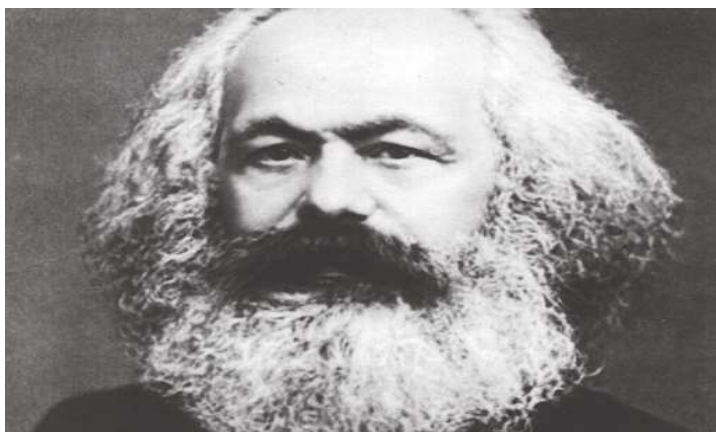
sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگی

سر دبیر: فواد عبداللهی



حزب حکمتیست، بعنوان یک حزب کمونیستی منافع جز منافع طبقه کارگر، جز منافع جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بطور کلی، ندارد. این جریان کمونیستی در تجربه سه ساله خود و سنت سیاسی خود، هم در حرف و هم در عمل نشان داده است که منافع جنبش خود را هرگز به هیچ دلیل و بهانه و توجیه اقتصادی، سیاسی، ایدئولوژیکی، مذهبی و قومی و جنسی یا ملاحظاتی «کشوری» یا «ملی»، ملاحظاتی که طبقات حاکم تحت عنوان و به بهانه آن طبقه ما و بشریت را امروز بیش از پیش در انقیاد کامل قدرت مخرب خود گذاشته اند، قربانی نمی‌کند!

حزبی که همواره و در هر لحظه، منافع بلند مدت طبقه و بشریت را دنبال میکند و در عین حال برای کوچکترین بهبود، کمی و کیفی، کوتاه مدت یا میان مدت، در وضعیت کار و زندگی طبقه کارگر و بهبود جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی، از هیچ تلاشی کوتاهی نمی‌کند و نکرده است!

ردیای ما، جنبش سیاسی و طبقاتی ما، حزب و سازمان ما را میتوان طی چهار و دو سال گذشته، در مبارزات اقتصادی طبقه کارگر، در مبارزه برای لغو آپارتاید جنسی و برابری زن و مرد، در حقوق کودکان، پناهندگان، محیط زیست، علیه تبعیض بر اقلیت‌های مذهبی یا ملی و مهاجرین به ایران، علیه سناریوهای سیاه بین‌المللی، جهانی و منطقه‌ای و محلی، در مبارزات فکری، سیاسی، و پراتیکی، از مبارزه نظامی تا مبارزه فرهنگی و سیاسی، دید!

این حزب طبقه کارگر، حزب رهبران عملی و دست‌اندرکاران مبارزات کارگری و مردمی، حزب پیشروان جامعه، حزب زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب و همه کسانی است که خود را در اهداف و برنامه، در فعالیت‌ها و نگرش و جدال‌های این حزب، شریک میدانند و در آن دخالت میکنند!

ما برای تامین هزینه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و مبارزاتی خود منبع و منابعی جز، کمک اعضا و فعالین، دوستداران و علاقمندان و مردم آزادیخواه و برابری طلب نداریم!

نه دولت و نه مافیای مالی، نه کمپانی و نه تجارت کالا و ... چه در سطح کشوری و چه در سطح بین‌المللی، نه تنها از نظر مالی از ما و فعالیت‌های ما حمایت نمی‌کنند، بلکه و بعلاوه آن را در مقابل منافع خود میدانند! جدال آشتی ناپذیر سیاسی ما با طبقه حاکم و دولت و دولت‌هایشان در ایران و در جهان، هر چند شورانگیز و افتخارآمیز، اما دسترسی ما به منابع مالی خود، کمک‌های داوطلبانه انسان‌های بیشمار که خود را در آرمان‌ها و امیال و برنامه سیاسی ما شریک میدانند، بسیار محدود میکنند و همیشه کرده است.

منابع ما، منابع مردم، طبقه کارگر و کمپ آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران و در جهان است! از این رو، ما برای تامین هزینه‌های فعالیت خود، برای گسترش آن و تضمین رشد آن، دست‌یاری به سمت شما مردم آزادیخواه و برابری طلب، طبقه کارگر، زنان انقلابی و جوانان آزادیخواه و برابری طلب دراز میکنیم و درخواست کمک مالی داریم!

این حزب شما است و جز ابتکارات شما برای جمع‌آوری کمک مالی به حزب تان، هر اندازه کوچک یا بزرگ، سرمایه‌ای ندارد.

به حزب حکمتیست (خط رسمی) خط رسمی کمک مالی کنید!
کمک‌هایتان را از هر کانالی که خود مناسب میدانید، بدست ما برسانید.
این کمک‌ها هر چه منظم‌تر باشد، ما را در تضمین تداوم سرعت فعالیت‌هایمان و گسترش آن، بیش از پیش یاری میدهد!